

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره عصر و ارتباط آن با امام زمان

نگارنده:

حجت الله رجبی

مقدمه:

آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که به استناد سخنان ذرر بار و پر برکت پیغمبر اکرم (ص) و جانشین راستین حضرت ایشان در مورد امام منجی و موعود، حضرت مهدی (عج) تفسیر و تأویل و تطبیق گردیده‌اند و مرحوم آیه الله سید هاشم بحرانی صد و سی و دو آیه را مربوط به امام زمان دانسته و در این مورد کتاب شریف «الحجّة فی ما نزل فی القائم الحجّة» را به رشته تحریر می‌آورد و همچنین علامه صادق الحسینی الشیرازی تعداد این آیات را در کتاب شریف «المهدی فی القرآن» به صد و پنجاه و سه آیه می‌رساند و بعضی از محققین تعداد این آیات را طبق تحقیقات به عمل آمده به سی صد آیه رسانده‌اند.^۱ و در این زمینه کتاب‌های فراوانی به رشته تحریر آمده است آنچه که مسلم است اینکه در طول تاریخ پیوسته دشمنان حق از منتشر شدن معارف قرآن و آشکار شدن حقایق و اسرار آن به آنحای مختلف جلوگیری کردند که یکی از این معارف موضوع مهدویت و منجی آخرالزمانی می‌باشد.

از جمله سوره‌هایی که در قرآن کریم توسط روایات ائمه معصومین: به موضوع مهدویت تفسیر و تأویل شده سوره مبارکه «عصر» می‌باشد که در عین کوتاهی، دریایی از معارف در آن نهفته شده است ولی متأسفانه در هیچک از تفاسیر مهم اهل سنت اشاره‌ای به این موضوع نشده و یا تفسیر و یا تأویلی و یا روایتی که حاکی از مهدوی بودن این سوره بنماید به منابع تفسیری اهل سنت نیافتیم. و از آنجا که شناختن معارف قرآن و بهره گرفتن از سرچشمه‌های شیرین آن راهی جز این ندارد که از بازگوکنندگان وحی و ترجمان راستین قرآن یعنی خاندان عصمت: درس بگیریم به سراغ تفاسیر روایی و روایات اهل بیت: رفتیم و خوشبختانه مهدوی بودن این سوره مبارکه را دریافتیم.

ما قبل از پرداختن به اقوال علما و دانشمندان در تفسیر این سوره نورانی، ابتدا به بررسی واژه‌های مهم این سوره می‌پردازیم.

عصر: واژه عصر در اصل به معنای «فشردن» است مرحوم طبرسی در مجمع البیان می‌نویسد: اصل العصر: عصر الثوب و نحوه و هو فتلہ الاخراج مائه^۲ و سپس به وقت عصر اطلاق شده به خاطر

۱. آیات الکریم فی ما أنزل فی بقیة الله فی الارضین، اکبری، علی اصغر.

۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۹۱.

اینکه برنامه‌ها و کارهای روزانه در آن پیچیده و فشرده می‌شود. راغب در مفردات می‌نویسد: **أَلْعَصِرُ**: مصدرٌ عَصَرْتُ و المَعصُورُ: الشَّيْءُ العَصِيرُ... و العَصْرُ: الدَّهْرُ و الجَمِيعُ العَصُورُ.^۳

۱. به این خاطر انسان نامیده شده چون خلقتش به نوعی است که بدون انس با افراد دیگر زندگی قوام پیدا نمی‌کند.

۲. به این خاطر انسان نامیده شده چون با هر چیزی که به آن الفت پیدا می‌کند مأنوس می‌گردد.

۳. بر وزن **إفْعِلان** بوده و **إنسیان** می‌باشد و به این خاطر انسان نامیده شده زیرا خدا؛ او عهد کرد و او آن عهد الهی را فراموش نمود.^۴

خسر: چنانکه «راغب» در «مفردات» می‌نویسد: به معنی کم شدن سرمایه است و گاه به انسان نسبت داده می‌شود و می‌گویند فلانکس زیان کرد و گاه به خود عمل نسبت داده می‌شود و می‌گویند تجارتش زیان کرد. این واژه غالباً در سرمایه‌های برونی مانند مال و مقام به کار می‌رود و گاه در سرمایه‌های درونی مانند صحت و سلامت و عقل و ایمان و ثواب و...^۵

آمنوا: جمع مذکر غایب از ثلاثی فرید از باب افعال از ریشه «أمن» راغب در مفردات چنین می‌نویسد که «ایمان» یکبار اسم برای شریعتی است که حضرت محمد (ص) آورده و برای هر شخصی که داخل این شریعت شده استعمال می‌گردد و یکبار هم بر سبیل مدح استعمال می‌شود که مراد از آن تصدیق توأم باطمینان خاطر می‌باشد.^۶

الصالحات: از ریشه **الصَّلاح**: ضدّ الفساد^۷

تواصوا: از ماده «تواصی» و همانگونه که راغب در مفردات آورده به معنای سفارش کردن بعضی، بعضی دیگر را، می‌باشد.^۸

حق: راغب می‌نویسد: اصل حق، مطابقت و موافقت است^۹ و در قاموس ضدّ باطل، صدق، وجود ثابت و غیره گفته است.^{۱۰}

۳. مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۶۹.

۴. همان، ص ۹۴.

۵. همان، ص ۲۸۱.

۶. همان، ص ۹۱.

۷. همان، ص ۴۸۹.

۸. همان، ص ۸۷۳.

صبر: جلیس، امساک راغب می‌نویسد: صبر: خویشتن‌داری و جلس نفس است بر چیزی که شرع و عقل تقاضا می‌کند یا از چیزی که شرع و عقل از آن نهی می‌کند بحسب اختلاف موارد نام آن فرق می‌کند اگر خویشتن‌داری در مصیبت باشد آنرا صبر گویند ضد آن جزع است اگر در جنگ باشد شجاعت نامند ضد آن جبن است اگر در پیش آمده باشد آنرا سعه صدر گویند اگر در امساک از سخن باشد کتمان نامند.^{۱۱}

در تفاسیر روایی شیعه در میان کلمات این سوره مبارکه روی واژه «عصر» تأکید بیشتر می‌شده و مفسرین شیعه روی این کلمه مانور داده‌اند در اینکه منظور از عصر در این سوره چیست نظریات مختلفی ارائه شده است مرحوم علامه طبرسی در تفسیر ارزشمند مجمع البیان پنج تفسیر ارائه نموده^{۱۲} و برخی از نویسندگان هم برای این کلمه هفت معنا و تفسیر نوشته‌اند.^{۱۳} که به خاطر دوری از اطاله بحث فقط فهرست معانی را ذکر می‌نمائیم. ۱. غروب آفتاب ۲. مجموعه تاریخ بشر ۳. عصر قیام پیامبر اکرم (ص) ۴. عصر قیام حضرت مهدی (عج) ۵. وجود انسان (انسان کامل) ۶. فشارها و حوادث ۷. نماز عصر البته باید به این نکته توجه داشت که تفسیرهای مختلف هیچ تضاد و منافاتی با یکدیگر ندارد بنابراین می‌توان تمام این تفسیرها را صحیح دانست یعنی یکی از تفاسیری که برای «عصر» - عمدتاً در منابع و تفاسیر روایی شیعه - ذکر گردیده، عصر قیام حضرت مهدی (عج) می‌باشد که از چندین جهت دارای اهمیت خاصی است و جهان شاهد تحولات عظیم و شگرف و بی‌سابقه‌ای خواهد شد زیرا اولاً: بشر از نظر علم و دانش پیشرفت فوق‌العاده‌ای می‌کند، ثانیاً: ضایع در آن زمان رشد چشمگیری خواهد داشت ثالثاً: از نظر اخلاق مردم در سطح بسیار بالایی قرار می‌گیرند و رابعاً: صلح و آرامش و امنیت عجیبی در بین مردم و اقوام و ملل حاکم می‌شود^{۱۴} و خامساً حکومت جهانی الهی که خالی از هرگونه شرک و بت‌پرستی ظلم و ستم و فساد است در سرتاسر زمین توسط آخرین حجت الهی بوجود خواهد آمد.^{۱۵}

و مدینه فاضله‌ای که تمام حکما و مردم به دنبال ایجاد آن بودند و در رؤیاهای خویش آنرا جستجو می‌کردند تحقق پیدا نموده و به منصفه ظهور و بروز می‌رسد و آمل و آرزوهای تمامی انبیاء و اولیاء با ظهور دولت الهی و حق‌مدار حضرت ولیعصر (عج) محقق می‌شود.

۹. همان، ص ۲۴۶.

۱۰. مفردات، ص ۴۷۴.

۱۱. قاموس، ریشه حق.

۱۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۳۴ و ۴۳۵.

۱۳. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۱۴. سوگندهای قرآن کریم، ص ۵۳۲.

۱۵. سوره نور، آیه ۵۵ و سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ و سوره قصص، آیه ۵.

با تحقیقی که در تفاسیر روایی انجام دادم بسیاری از مفسرین شیعه از جمله مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب «البرهان فی تفسیر القرآن» مرحوم علی بن ابراهیم قمی در کتاب «تفسیر القمی» مرحوم فیض کاشانی در کتاب «تفسیر الصافی»، مرحوم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی در کتاب «تفسیر فرات کوفی» مرحوم علی بن جمعه عروسی حویزی در کتاب «تفسیر نور الثقلین» شیخ محمد بن عبدالرحیم نهاوندی در کتاب «نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن»، شیخ محمد بن محمدرضا القمی المشهدی در کتاب «تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب»، شیخ ماجد ناصر الزبیدی در کتاب «التیسیر فی التفسیر للقرآن» و بسیاری دیگر از مفسرین شیعه با استناد به احادیثی از امام جعفر صادق این سوره را به اهل بیت: تفسیر و تأویل کرده‌اند و همه ایشان استناد به حدیثی نموده‌اند که مرحوم شیخ صدوق در کمال الدین ذکر نموده است. ایشان از امام صادق روایت نموده است: مقصود از «عصر» عصر ظهور امام زمان (عج) می‌باشد و مقصود از «إن الانسان لفی خسر» دشمنان ما می‌باشند «الا الذین آمنوا» مگر کسانی که به بازگشت ما ایمان آورده‌اند و «عملوا الصالحات» و کارهای شایسته‌ای در مواسات و معاونت برادران دینی خود انجام داده‌اند «و لا تواصوا بالحق» و همدیگر را به امامت توصیه نموده‌اند «و تواصوا بالصبر» و همدیگر را به عترت پاک نبوی (ص) توصیه و سفارش کرده‌اند.^{۱۶}

و در تفسیر قمی از امام صادق روایت کرده است خداوند متعال اهل صفوت از مخلوقات خود را از عموم خاسرین و زیانکاران استثنا نمود جایی که فرمود «إن الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا» یعنی به ولایت امیرمؤمنان ایمان آورده‌اند و «تواصوا بالحق» و همدیگر را به ولایت آنان، توصیه نموده‌اند و هم بر اساس ولایت پایداری و صبر نموده‌اند.^{۱۷}

و در مجمع البیان از علی^{۱۸} از امام صادق روایت نموده‌اند که آندو بزرگوار اینگونه قرائت نموده‌اند «والعصر، إن الانسان لفی خسر (الی آخر الدهر) الا الذین و امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»^{۱۹}

با توجه به این تفسیر روایی ترسیم کلی این آیات نورانی چنین است که قسم به دوران ظهور آخرین منجی بشریت و آخرین حجّت الهی که تمام انبیاء و اولیاء انتظار ظهورش را می‌کشیدند زیرا با ظهور ایشان حکومت عدل در زمین که پر از ظلم و ستم و فساد شده برپا می‌گردد و

۱۶. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۶۵، ح ۱، باب ۵۸.

۱۷. تفسیر قمی، ص ۷۳۴.

۱۸. مجمع البیان، ح ۱۰، ص ۴۹۳.

۱۹. تفسیر قمی، ص ۷۳۵.

صالحین به حکومت دست می‌یابند تمام انسان‌ها در خسران و زیان هستند مخصوصاً افرادی که از اهل بیت روی گرداندند و ولایت ایشان را نپذیرفته و برخلاف دستورات خدا و پیامبر در مورد جانشینی ائمه اثنی عشر:، دنبال نااهلان رفته و ولایت طاغوت را پذیرفتند مگر کسانی که دارای چهار ویژگی هستند ۱. کسانی که بازگشت اهل بیت: به حکومت و قدرت و شوکت و ظهور دولت حق ایمان آوردند. ۲. و کارهای شایسته‌ای در مواسات برادران دینی خود در راه محبت اهل بیت: انجام دادند و با انتظار عالمانه برای ظهور امام غایب زمینه‌سازی می‌نمودند. ۳. و همدیگر را به امامت علی بن ابیطالب و اولاد معصومش توصیه نمودند. ۴. که ولایه علی بن ابیطالب حسنی فمّن دخل حسنی امن من عذابی و همدیگر را به عترت پاک نبوی (ص) که مصداق بارز حق‌مداری و حق‌محوری هستند توصیه و سفارش کردند چرا که در روایات متعددی از رسول اکرم (ص) آمده که ایشان فرمودند: «علیّ مع الحق و الحق مع علیّ لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض»^{۲۰} و همچنین فرمودند مثل اهل‌بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف غرق و هوی»^{۲۱} و فرمودند: «انی تارکّ فیکم الثقلین کتاب اله و عترتی اهل بیتی ما إن تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی ابدأ»^{۲۲}

آخرین حجت الهی، حضرت مهدی (عج) می‌باشد که شیعیان باید با توصیه همدیگر نسبت به ولایت‌مداری و ولایت‌پذیری ایشان و با تجوید پیمان با منجی آخرین، محبت ایشان دارد را در قلوب خود افزایش داده و کارهایی که باعث تعجیل در ظهور ایشان می‌شود را انجام دهند تا جامعه برای ظهور دولت یار آماده گشته و خورشید مغرب طلوع نماید.

پیام‌ها

۱. انسان از هر سو در خسارت است (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ).
۲. تنها راه جلوگیری از خسارت، ایمان و عمل است (أَمَّنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ).
۳. ایمان و عمل صالح و پذیرش حق و شکیبایی، بهره‌گیری درست از سرمایه‌های وجودی خویش است.

۲۰. امام‌شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۴۲۱: آقای رضوانی در این کتاب اقوال متعدد علمای اهل سنت را در مورد این حدیث ذکر نموده و بحث جالبی را نموده است.
۲۱. مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۳۴۳، و نهاییه ابن اثیر ماده زح.
۲۲. امام‌شناسی، ۱۳، ص ۲۰۰ به بعد که این کتاب در خصوص این حدیث نورانی توسط آیه الله محمد حسین حسینی طهرانی تألیف گردیده است.

۴. انجام کارهای شایسته، توصیه خداوند به مؤمنان است (الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ).
۵. به فکر خود بودن، کافی نیست؛ مؤمن در فکر رشد و تعالی دیگران است (تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ).
۶. توصیه دیگران به پذیرش حق و شکیبایی در راه آن، مصداق بارز عمل صالح است (عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ).
۷. اصلاح جامعه در کنار اصلاح خویشتن، ضرورتی اجتناب ناپذیر در ثمر بخشی وجود انسان است (تواصوا)
۸. اقامه حق، به استقامت نیاز دارد (تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ).
۹. جامعه، زمانی اصلاح می‌شود که همه مردم در امر به معروف و نهی از منکر شرکت داشته باشند؛ همه پند دهند و همه پند پذیرند (وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ) کلمه «تواصوا» بر کار طرفینی دلالت دارد.

به امید آن روز
و السلام